



معرفی دیوان اشعار غفاری کاشانی و ویژگی‌های سبکی آن

فاطمه سادات طاهری*

تقی دشتی**

چکیده:

میرزا محمد حسین غفاری کاشانی، متخلص به مشرقی، از جمله شاعران عارف دوره بازگشت ادبی (قرن سیزدهم) است که در هیچ یک از آثار ادبی، حتی تذکره‌ها از او یاد نشده است. همین مسئله، نگارندگان را بر آن داشت تا ضمن معرفی اجمالی شاعر، مشخصات و ویژگی‌های سبک‌شناختی شعر او را نیز بیان کنند. با کمی تأمل در شعر غفاری می‌توان پی برد که او نیز چون دیگر شاعران معاصرش، دنباله‌رو شاعران سبک خراسانی و عراقی است، اما در این میان، توجه او بیشتر به سبک عراقی معطوف شده است، چنان‌که در میان شاعران سبک عراقی نیز بیشتر به حافظ نظر دارد و به وام‌گیری از مضامین شعری حافظ در دیوانش می‌پردازد. غفاری، شعر را به عنوان ابزاری برای بیان اعتقادات، و نه برای بیان احساسات به کار می‌گیرد. او برخلاف شاعران دوره خود، به دنبال فضل‌فروشی و خودنمایی با الفاظ پرآب و تاب و متکلف نیست، بلکه قالب شعری را برای انعکاس تفکرات عرفانی‌اش برمی‌گزیند. زبان او ساده، روان و تشبیهاتش بیشتر حسی است. کاربرد شکل کهن

پژوهش‌نامه کاشان
شماره دوم
بهار و تابستان ۱۳۹۲

* استادیار دانشگاه کاشان / taheri@kashanu.ac.ir
** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی / tdashti@yahoo.com



واژه‌ها، کاربرد فراوان ترکیبات عربی و عطفی، اقتباس از آیات و احادیث روایی و استفاده از آرایه‌های ادبی به‌ویژه جناس، از ویژگی‌های چشمگیر سبک اوست.

کلیدواژه‌ها: غفاری کاشانی، دیوان اشعار، بازگشت ادبی، سبک‌شناسی.

مقدمه

میرزا محمد حسین غفاری کاشانی، متخلص به مشرقی، از جمله شاعران عارف قرن سیزدهم (دوره بازگشت ادبی) است. هرچند بعضی از صاحب‌نظران، دوره بازگشت را سبکی مستقل نمی‌شمارند، باید اذعان کرد که این دوره خود، سبب تغییرات و تحولاتی در تاریخ ادبیات ایران شده و توانسته است جریان فکری-ادبی را از مسیر خود منحرف و دوباره به گذشته بازگرداند. (پژوهشی در سبک هندی و دوره بازگشت ادبی، ص ۲۴۸) بازگشت شعرا به سبک و شیوه گذشتگان، در واقع برگرفته از سیاست کلی پادشاهان صفوی بود که موجب انحطاط شعر فارسی در آن دوران شد، چنان‌که می‌توان گفت دوره صفوی از حیث سلامت بیان و جزالت مضمون، تقریباً هیچ شاعر مبتکر و بزرگی نداشته است. بیشتر شاعران بزرگ و نامی این دوره، بازی با کلمات و عبارات و تکرارگویی را به اوج رسانده و راه افراط را پیموده‌اند. شاعران دوره بعد که بی‌مایگی و تنزل شعر عصر صفوی را مشاهده کردند، برای رهایی شعر از فقر و انحطاط تصمیم گرفتند به سبک گذشتگان برگردند؛ هرچند به قول نیما، بازگشت ایشان «بازگشتی از روی عجز به طرف سبک‌های مختلف قدیم» بود. شاعران این دوره مانند صنعتکارانی ماهر، با یک مشت الفاظ پرآب و تاب بر حسب میل مشتریان در قالب‌های از پیش تعیین شده طبق شیوه قدما، شبیه‌سازی می‌کردند. (از صبا تا نیما، ۱/۱۶-۱۵) و نه تنها در زبان، بلکه در طرح شاعرانه موضوع و مضمون و همچنین، قالب‌های رایج شعری پیرو قدما بودند. در این میان، شاعران بسیاری توانستند قدرت و توانایی خود را در این نوع سبک شعری به نمایش بگذارند. در ادامه، نهضت بازگشت به دو شاخه اصلی منشعب شد: گروهی قصیده‌سرایی به سبک شاعران کهن خراسانی و عهد سلجوقی را پیش گرفتند؛ از جمله صبا، قانی، سروش

معرفی دیوان اشعار
غفاری کاشانی و
ویژگی‌های سبکی
آن



و شیبانی؛ دسته دیگر شاعرانی بودند که به سبک عراقی، یعنی به تقلید از حافظ و سعدی، به غزل‌سرایی پرداختند؛ مانند: مجمر اصفهانی، فروغی بسطامی و نشاط اصفهانی. (ر.ک: معانی و بیان، ص ۲۹۸) از طرف دیگر، با روی کار آمدن سبک دوره بازگشت ادبی، تصوّف و عرفان هم مانند ادبیات فارسی دستخوش حوادث و تحولاتی گردید، همان‌طور که شاعران این دوره به احیای شعر خراسانی و عراقی همّت گماردند و به اقتفای سبک قدما پرداختند، اهل تصوّف نیز با تصوّف گذشته اسلامی تجدید عهد کردند و به احیای سنت‌های قدما، منتها در فضایی شیعی پرداختند. (ر.ک: پژوهشی در سبک هندی و دوره بازگشت ادبی، ص ۷۵) از جمله شاعران عارف‌پیشه این دوران که هم در سبک شعری و هم گنجاندن مضامین عرفان کلاسیک به شیوه پیشینیان بازگشت نام‌آوردند، می‌توان به میرزا محمد حسین غفاری کاشانی، متخلص به مشرقی اشاره کرد.

«این عارف شاعر از طایفه بنی غفار^۱ بود که در تهران و سایر ممالک ایران بودند و غالباً مستخدمین دولت و از امرا بودند. وی بعد از تحصیل برخی از مقدمات علمیّه و تکمیل عربیّه و ادبیّه، در هنگام ولایتعهدی ناصرالدین شاه به تبریز رفت و کمال تقرّب جست و همواره مورد لطف و مرحمت بود. چون آن شهریار در ۶۴ بر تخت موروثی جلوس فرمود و بر اورنگ جهانبانی ارتقا نمود، مشرقی را نیز هوای سلطنت فقر در سر افتاد، یکباره ترک منصب و جاه کرد و از یاران شبانه و رندان پیمانه احتراز و روی دل به اصحاب نیاز آورد؛ پیمانه شکست و با حق پیمان بست. به شیراز آمد و به دلالت حاج محمدحسن عبدعلی شاه از خدمت رحمت علی شاه^۲ به شرف توبه و تلقین فایز، چنان‌که خود گوید:

در کف لوای حیدر کرّار آمدیم	با رحمت علی شه ابرار آمدیم
رحمت علی است مقصد و عبدالعلی دلیل	با قافله به همره سالار آمدیم
رحمت شاه علی مرآت حق‌بین من است	هادی و پیر و طریق و رهبر دین من است

و اشتغال به مراقبه ذکر دوام و فکر مدام نمود. حالات عجیب و مقامات غریب مشاهده کرد. شیفته مولی و فریفته اهل ولا گردید و از آن‌جناب به لقب محتاج علی، مفتخر شد و عود به کاشان نمود و در برزآباد که یکی از قرای کاشان است، ساکن،

پژوهش‌نامه کاشان
شماره دوم
بهار و تابستان ۱۳۹۲

و طرح خانقاه و باغچه انداخت. در زاویه و کنج عزلت نشست و در روی اغیار داخلی و خارجی بست و گاه‌گاهی به اشعار عارفانه طبع را مشغولی داشت و محتاج علی در مقاطع نوشت و احوالی به طرز شاعرانه، سخن موزون بافت و مشرقی تخلص نمود؛ تا آنکه در سال هزار و دویست و نود و نه در همان جا جهان فانی را وداع و به عالم جاودانی شتافت و بر حسب وصیت در درب باغچه مذکوره به خاکش سپردند. اینک مزارش منزلگه فقر است.» (طریق الحقایق، ۳/۴۰۵-۴۰۸)

دانشته‌های ما از غفاری کاشانی به همین اندازه محدود می‌شود و اطلاعات دیگری از وی در دست نیست؛ حتی در تذکره‌ها نیز از وی یاد نشده و همچنان گمنام مانده و تنها اثری که از وی به جامانده، دیوان/شعار اوست که آن هم در پردهٔ خمول مانده و تاکنون به چاپ نرسیده است.^۳

سبک شعری غفاری

اگر دیدگاه خاص هنرمند به جهان و شیوهٔ بیان وی را سبک او بنامیم (ر.ک: کلیات سبک‌شناسی، ص ۱۵) پس هر اثر مکتوبی در هر سطحی، دارای سبکی مختص به خود است، زیرا سبک همان «انحراف نرم» است. پس فقط از طریق مقایسه با آثار دیگر، می‌توان سبک یک اثر را مشخص کرد. (شاعر آینه‌ها، ص ۳۸) البته باید توجه داشت در میان انواع ویژگی‌هایی که در یک اثر دیده می‌شود، فقط برخی از آن‌ها که بسامد فراوانی داشته باشند، در پدید آوردن سبک دخالت دارند و به آن‌ها ویژگی‌های «سبک‌ساز» یا «سبکی» می‌گویند. حال این مختصات ممکن است زبانی، فکری یا ادبی باشند. (سبک‌شناسی شعر، ص ۲۰۶) از این رو، در اینجا برای مشخص شدن سبک شعری غفاری، به پربسامدترین ویژگی‌های سبکی وی در سه سطح زبانی، ادبی و فکری اشاره می‌شود:

۱. ویژگی‌های زبانی

۱-۱. کاربرد شکل کهن واژه‌ها

۱-۱-۱. واژگان

بهلی (ص ۳۲)، ازیراک (ص ۳۸)، غربیل (ص ۱۳۵)، بیزیدن (ص ۱۳۵)، کفیده. (ص ۲۴۵)

معرفی دیوان اشعار
غفاری کاشانی و
ویژگی‌های سبکی
آن



۱-۲-۱. کاربرد واژه‌های خراسانی

بیوبارد (ص ۲)، بویم (ص ۷)

۱-۱-۳. کاربرد واژه‌های عربی

حبّذا (ص ۲۷)، کنز (ص ۲۲۱)، حوتیم (ص ۲۰۷)، رطب (ص ۱۵۱)، دثار (ص ۲۷۰)،
حل و عقد. (ص ۲۲۶)

۱-۱-۴. به کار بردن جمع واژگان به صیغه عربی

الحنان (ص ۴۸)، اطلال (ص ۴۳)، عکوس (ص ۲۲۳)، جواهر و الوان. (ص ۴۷)

۱-۱-۵. کثرت کاربرد ترکیب‌های عربی (وصفی-اضافی)

کرام الکاتبین (ص ۳۵)، هدی للمتقین (ص ۳۵)، جوع الکلب (ص ۴۰)، بوالوفا
(ص ۱۳)، یوم النشور. (ص ۴۸)

۱-۱-۶. کاربرد واژه ترکی

وثاق (ص ۱۹۲)، تتماج (ص ۲۰۵)، قرناق. (ص ۲۳۹)

۱-۱-۷. کاربرد واژه عبری

شبیر و شبّر. (ص ۲۱۷)

۱-۱-۸. تخفیف واژه

گشتی «أحببتُ أن أعرف» به محض فیض عام

خواست بی‌رنگی زند بر خلق و ابنای زمن

(ص ۱۴)

بس لاله است کان بدخشان بود طلال بس سوسن است کوه نشابور شد دمن

(ص ۵۲)

نیز: چنگل (ص ۶)

۱-۱-۹. تشدید واژه

تو جان جمله جهانی و جان تو را جوید چو تو مقیم دلی، دل در اضطراب چراست

(ص ۸۲)

پژوهش‌نامه کاشان
شماره دوم
بهار و تابستان ۱۳۹۲



۱۰-۱-۱. ابدال

دلم به چاه زنخدان یار می گوید منیجه کو که بیند به چاه بیجن تو
(ص ۱۴۶)

دلم مانند بیجن از چه افراسیاب غم
رهد چون می فراز چاه مانند تهمتن شد
(ص ۵۷)

۱۱-۱-۱. کاربرد «الف» اطلاق

صبا به باغ دگر باره زرگری کندا به فرق دختر رز چادر زری کندا
(ص ۵۵)

۱۲-۱-۱. کاربرد «اندر» به جای «در»

ای خدا اندر جمال تو نهان عکس او از آینه رویت عیان
(ص ۷۶)
تا جلوه گر آمد رخت اندر همه اشیا آینه به جز روی تو در پیش ندارم
(ص ۷۹)

۱۳-۱-۱. آوردن «ار» به جای «اگر»

خاکسترم ار جمله به غربیل ببیزید دیگر بنینید به عالم اثر من
(ص ۱۳۵)

گفتم ای ساقی کریم جواد

قدحت ار چه سخت و زفت و پراست
(ص ۱۷۷)

۱۴-۱-۱. به کار بردن اسم صوت با بسامد بسیار

سد راه دوست در بند تن آمد زینهار

دربیفکن تا درآید شاهد رعناى من معرفى دیوان اشعار
(ص ۱۲) غفارى کاشانى و
ویدگی های سبکی
آن

نیز رک: هان و هان (ص ۴۱)، هین (ص ۱۰۰)، هله (ص ۹۳)، زنهار (ص ۹۶).

۲-۱. ساختار دستوری

۱-۲-۱. کاربرد انواع فعل

الف. بسامد زیاد افعال پیشوندی

تا درفکنم خود را در حلقه می‌خواران تا شور و شرر اندازم بر مردم میخانه
(ص ۱۱۳)

نیز وارهم (ص ۵)، در رسانیم (ص ۵)، برگیرد (ص ۱۴)، برآرم (ص ۱۵)، وارهی
(ص ۱۹) و...

ب. بسامد بالای افعال نیشابوری

ز بس بی‌خویش گشتستم ندانم در چه احوالم

که من مدهوش می‌گویم و یا هشیار می‌گردم
(ص ۱۵۹)

ما زنده عشقیم دلیریم و نمیریم پاینده بمانیم واجل را اجل استیم
(همانجا)

۲-۱-۲. کاربرد «می» و «همی» بر سر انواع فعل

الف. آوردن «می» بر سر فعل نفی:

حیف می‌ناید تو را همواره در دار فنا از برای حب دنیا کین اخوان داشتن
(ص ۴۱)

می‌ندانم کینه تو را همواره در دار فنا کین چنین دایم مرا دور از رخ دلدار دارد
(ص ۱۵۲)

ب. آوردن «همی» بر سر فعل

یا عیسوی صفت به کلیسای گلبنان انجیل خوان همی شد و از غم سرور یافت
(ص ۴۸)

گلوی کبک دری با هزار گونه نشاط چو مطربان نوایی همی نوازد چنگ
(ص ۵۳)

تبصره: گاهی نیز بین «همی» و اجزای فعل فاصله افتاده است:

پیچان شد از کرانه هامون چو ازدها بر شد همی به دامن گردون چو اهرمن
(ص ۵۱)

پژوهش‌نامه کاشان
شماره دوم
بهار و تابستان ۱۳۹۲



منم طوطی که از همت همی شکر طلب دارم

نه چون کرکس که از دونی به هر مردار می‌گردم
(ص ۱۱۴)

۳-۱-۲. استعمال «ب» بر سرانواع فعل

الف. آوردن «ب» بر سر فعل نفی

همه آن است که از من بندارید خبر
که گریبان صبوری بگشایید همه
(ص ۱۳۸)

ب. آوردن «ب» بر سر فعل امر

آتشی از باده بفروزان و غم‌ها را بسوز
مجلس ما را زمانی رشک کوه طور کن
(ص ۱۲۲)

تا در میان خاک بباشیم شاددل
تا در کنار گور بخسیم شادمان
(ص ۱۳۳)

ج. آوردن «ب» بر سر فعل مضارع

چو موم بر کف و سر پنجه‌ات به هر شکلی
که می بخواهی سازی و در فشار توام
(ص ۱۱۰)

۴-۱-۲. آوردن دو حرف اضافه برای یک متمم

بط ارنی خویش را بط ساز و بر خم زن دلیرانه
فرو شو تا به سر در بحر بی اندازه و ساحل
(ص ۱۶۴)

۵-۱-۲. ذکر اسم و افاده صفت

این سخن‌های مرا ای مرد هوش
جای ده با صد طلب در بیخ گوش
(ص ۱۰)

هوش در این بیت، در معنای باهوش و هشیار به کار رفته است.

۶-۱-۲. استعمال «مر» به عنوان ادوات تأکید مفعولی

خواجه پندارد که آمد راه مر طمع را
یا کباب چرب یا لحم سمین باید نهاد
(ص ۳۴)

گرچه سیصد بار روزی ای پسر
مر مرا بینی خدا اندر نظر
ویژگی‌های سبکی
آن
(ص ۱۳)

معرفی دیوان اشعار
غفاری کاشانی و
ویژگی‌های سبکی
آن



۲-۱-۷. بسامد فراوان کاربرد یای مصدری

یا همچو رستم از سر مردی به روز رزم با یک دو چوبه گرزۀ اسفندیار گیر
(ص ۲۴)

نیز: زیبایی (ص ۲۱)، خوبی (ص ۲۱)، مولایی (ص ۲۲)، پردلی (ص ۲۴)، بیخودی
(ص ۲۶)، تویی و منی. (ص ۸)

۲-۱-۸. بسامد فراوان کاربرد ترکیبات عطفی

راه رسم (ص ۴)، بی سر و پای (ص ۴)، شر و فسون و سحر (ص ۶)، نقش و نگار
(ص ۱۵)، فاش و عیان (ص ۱۷)، سر و تن (ص ۲۹)، جان و دل. (ص ۲۹)

۲-۱-۹. کاربرد صفت فاعلی مرکب مرخم

خویشتن‌بین (ص ۱۷۹)، جويا (ص ۲۱)، انجیل‌خوان و تسبیح‌خوان (ص ۲۲)، غم‌خور
(ص ۳۵)، روی‌پوش (ص ۴۸)، پرده‌دار. (ص ۴۶)

۲-۱-۱۰. کاربرد صفت مفعولی مرکب

کف‌آورده (ص ۲۳)، بال‌وپر سوخته (ص ۹۶)، دل‌شده (ص ۹۸)، بخت‌برگشته
(ص ۱۴۱)، روزی‌نهاد. (ص ۱۵۴)

۲. ویژگی‌های ادبی

غفاری برای اشعار خود، قالب قصیده را انتخاب کرده و با توجه به گرایش خاصی که به عرفان و معنویات دارد، مضامین عرفانی مضمون اصلی اشعار وی را تشکیل می‌دهد. با وجود اینکه برای انتقال مفاهیم و مضامین خود، زبان ساده و روان را برگزیده، برای اینکه قدرت ادبی خود را نیز به رخ خواننده بکشد، از کاربرد فنون بیان و بدیع لفظی و معنوی نیز غافل نمانده است. غفاری در دیوان خود از اکثر فنون بیان (تشبیه، استعاره، کنایه و...) استفاده کرده و در میان آرایه‌های لفظی، صنعت جناس در دیوان وی، از بیشترین بسامد برخوردار است. تضاد و تقابل، تلمیح، تمثیل، تنسیق الصفات، تناسب، طرد و عکس، تکریر، واج‌آرایی و... از صنایع مهمی است که در شعر وی تجلی یافته است.

۲-۱. تشبیه

پژوهش‌نامه کاشان
شماره دوم
بهار و تابستان ۱۳۹۲
تشبیه یکی از پرکاربردترین ارکان بیانی در دیوان مشرقی است. وی بیشتر مضامین و

ترکیب‌های شعری خود را در قالب تشبیه به کار برده است. تشبیه‌های به‌کاررفته در دیوان مشرقی، به اعتبار طرفین آن (مشبه و مشبه‌به) بیشتر حسی است. همچنین، تشبیه عقلی به حسی در دیوان مشرقی، از بسامد فراوانی برخوردار است. مشرقی در دیوان خود از دیگر اقسام تشبیه مانند مرکب، تمثیلی، ملفوف، بلیغ، مجمل، مفصل و... استفاده کرده است؛ از جمله:

۲-۱-۱. تشبیه مرکب

نارون بر پای استاده است گویی پشته خاری است که بر پشت شبان شد
(همان، ص ۳۶)

۲-۱-۲. تشبیه تمثیل

حرص اندر سینه با مهر خدا هرگز نبود با عسل خربوزه در یک معده نتوان داشتن
(ص ۳۹)

گر بمیرند دو صد بار به هر رهگذر است

جان متاعی است که چون زیره به کرمان آرند
(ص ۵۷)

۲-۱-۳. تشبیه ملفوف

مجنون صفت که لیلی خود را کشد به بر سنبل بنفشه‌ای طبری را به بر گرفت
(ص ۴۷)

مانند جان عاشق بی‌دل به روی دوست قمری به سوی سرو دگر بار پر گرفت
(ص ۴۶)

۲-۱-۴. تشبیه بلیغ اضافی (اضافه تشبیهی)

راه کوی دوست دور است و چشم عقل کور

چاره نبود جز عصای عشق در برداشتن
(ص ۴)

۲-۱-۵. تشبیه مفصل

باغ همچون لعبتان چین شود از برگ و بار باز همچون نوعروسان غرقه در زیور شود
(ص ۴۹)

معرفی دیوان اشعار
غفاری کاشانی و
ویژگی‌های سبکی
آن



۲-۱-۶. تشبیه با وجه شبه مرکب

لاله پنداری که از تأثیر باد نوبهار
چون تنور تفته اندر گونه آذر شود
(ص ۵۰)

۲-۱-۷. تشبیه محذوف الادات (بالکنایه)

زمین ز نقش ریاحین بهارخانه چین
هوا ز عکس بساطین نگارخانه گنگ
(ص ۵۳)

ز سبزه کان زمرد نمود کتف غزال
ز لاله معدن یاقوت گشت سیهرنگ
(همان جا)

۲-۱-۸. تشبیه تفضیل

غلام روی تو هر شاخ گل که در چمن است
اسیر قد تو هر جا که سرو آزاد است
(ص ۱۲۹)

غفاری، حتی گاهی برای مدح بزرگان دین و ابراز عقاید مذهبی خویش، از ابزار
تشبیه استفاده کرده است؛ برای مثال:

تالاله چون حسین علی غرقه شد به خون
گل همچو شهربانو بدریده پیرهن
(ص ۵۱)

در دیوان مشرقی، گاه نیز ادعای شباهت اوج گرفته و به یکسانی رسیده و رنگ
استعاره به خود گرفته است.

۲-۲. استعاره

۲-۲-۱. استعاره مصرّحه

حیف باشد یوسفی افتاده در چاه بلا
ظلم باشد چون تو یعقوبی در این بیت الحزن
(ص ۱)

مشرقی در دیوان خود، استعارات بسیار زیبایی به‌ویژه در وصف طبیعت دارد:
دایه برای پرورش بچگان باغ
ریزد ز مهر از سر پستان خود لبن

(ص ۵۲)

دایه استعاره از ابر، بچگان باغ استعاره از گل‌های نورسته و لبن استعاره از
پژوهش‌نامه کاشان
شماره دوم
بهار و تابستان ۱۳۹۲ قطرات باران است.



گاهی نیز استعارات وی، حالت کلیشه‌ای و پیش پافتاده دارد، چنان‌که در بیت زیر، نرگس را استعاره از چشم آورده است:

نرگس فتن او باز ز افسون‌گری زاهد صدساله را بر در خمّار برد
(ص ۶۶)

۲-۲-۲. استعاره مکنیه

تجلی استعاره مکنیه در دیوان مشرقی به دو صورت اضافی و غیراضافی است.

۱-۲-۲-۲. به صورت غیراضافی

صبا به باغ دگر باره زرگری کندا به فرق دختر رز چادر زری کندا
(ص ۵۵)

ز جور زبان رز دل غمین و زردرخ است به باغ روز و شب از درد خون‌گری کندا
(همان‌جا)

۲-۲-۲-۲. به صورت اضافی

پس خطاب ارجعی فرمود بر گوش خرد زان همی لیبک گوید خاطر شیدای من
(ص ۱۲)

پای هوس ز مامن این قیل و قال بند دست طلب ز دامن این گیرودار گیر
(ص ۲۴)

۲-۳. کنایه

کنایه در دیوان مشرقی از بسامد بالایی برخوردار است. کنایات وی، بیشتر از نوع ایماء است. به عبارت دیگر، وسایط میان مکنی به و مکنی عننه، اندک و ربط میان معنی اول و دوم آشکار است؛ برای مثال:

دم زدن از مردی و وانگه چو زن آبستنی خرقه در بر کردن و در زیر خنجر داشتن
(ص ۴)

دندان روزگار چو پایت فسرد هان تو پشت دست عبرت دندان فشار گیر
(ص ۲۴)

معرفی دیوان اشعار
غفاری کاشانی و
ویژگی‌های سبکی
آن

روزگاری است که سودای تو در سر داریم اشک حسرت همه شب تا به سحر می‌باریم
(ص ۱۳۱)



نیز ر.ک: رخت فروکشیدن (ص ۳۱)، سرانگشت و لب خاییدن. (ص ۱۳۸)

۲-۴. اقسام جناس

چنان که قبلاً ذکر شد، آرایه جناس و انواع آن از پربسامدترین آرایه‌های به‌کاررفته در دیوان مشرقی است:

۲-۴-۱. جناس تام

باده به کام در رسد دور پیاله سر رسد

مطرب شوخ و شنگ ما چنگ برد به چنگ و دف

(ص ۱۰۷)

آن گلی کز مستی حُسن جمالش روز و شب

با هزاران داستاں همچون هزارم کرده‌ای

(ص ۱۲۵)

۲-۴-۲. جناس مرکب

بر لب بحر فنا طالب گوهرشادیم مفلسانیم و به یک دانه گوهر، شادیم

(ص ۱۳۰)

پا برهنه می‌دوی در خارزار می‌شود پایت ز زخم خار زار

(ص ۱۱)

۲-۴-۳. جناس خط (تصحیف)

باغ مرا فصل خزان آمد و فصل تو کرد بهاران ز دم باد صباها

(ص ۱۶۸)

نیز ر.ک: بخار با بحار. (ص ۱۵۹)

۲-۴-۴. جناس مضارع

کو ساغری ز ساقی باقی که یک زمان سرخوش برون رویم ز زندان اهرمن

(ص ۸۱)

گفت جهان را شهکی، چرخ و فلک را مهکی

شاه نی‌ام ماه نی‌ام مهر درخشنده شدم

(ص ۸۵)

پژوهش‌نامه کاشان
شماره دوم
بهار و تابستان ۱۳۹۲



۲-۴-۵. جناس ناقص (محرّف) (اختلاف مصوت کوتاه)

بِجَسْتِيمِ بِجَسْتِيمِ یکی راه و پس آنگه
بِجَسْتِيمِ بِجَسْتِيمِ ز زندان و دویدیم
(ص ۸۳)

گر کَشَدَم به دار او یا کَشَدَم به زار او
غیر رضا به کار او کار دگر چرا کنم
(ص ۱۱۲)

زلف مشکین تو بر روی تو چون گشت پریش
مُهر [ه] مِهَر فرو در دهن شام افتاد
(ص ۱۴۳)

۲-۴-۶. جناس مختلف الاول

یکی می گفت: هور آمد، یکی می گفت: نور آمد

زمان شار و شور آمد، زمان کار و بار آمد
(ص ۸۸)

ما محرم سرّ حرم حضرت جانیم
ما همدم و هم مشورت شاه دل استیم
(ص ۱۵۹)

از صفت باده او با تو چه گویم
مستی او هستی او بعد فناها
(ص ۱۶۷)

۲-۴-۷. جناس مختلف الوسط

مانند بخاری ز بحار آمده بیرون
گاهی و گهی همچو مطر متصل استیم
(ص ۱۵۹)

نیز: تاب و تب (ص ۱۷)، نار و نور (ص ۱۸)، شعر و شعار (ص ۳۳)، شار و شور
(ص ۸۸)، فقر و فخر. (ص ۲۲۲)

۲-۵. تمثیل

گوش نادان نشنود این راز را
گر کجا داند صدای ساز را
(ص ۱۱)

عالم ایجاد را آلات و اسبابند خلق
بی مقوی نیست قوّت بی زبان نبود سخن
معرفی دیوان اشعار
غفاری کاشانی و
ویژگی های سبکی
آن
(ص ۱۴)

حرص اندر سینه با مهر خدا هرگز نبود با عسل خربزه در یک معده نتوان داشتن
(ص ۳۹)

۲-۶. تضاد

نام دینداری اگر بر خود نهادی از چه رو خویشتن را گه مسلمان گاه کافر داشتن
(ص ۵)

نیز ر.ک: خنده باگریه، نیک با بد، نوش با نیش، وصل با هجر (ص ۴۵) و نیز ترکیب‌های عطفی متضاد مانند حرز و بلا (ص ۳۵)، خوب و بد (ص ۳۹)، خشک و تر (ص ۲۰)، خیر و شر. (ص ۱۹)

۲-۷. ایهام

رحمت‌علی آمد به طلبکار دل ما محتاج چو بودیم به ناچار بدادیم
(ص ۱۶۲)

ما بگفتیم اجر این گفتار طلب از شاه عشق بی آهوست
(ص ۱۸۱)

۲-۸. صنعت عکس

بجستیم و بجستیم یکی راه پس آنگه بجستیم و بجستیم ز زندان و دویدیم
(ص ۸۳)

باد ز بالا بجست چست به پستی ابر ز پستی برفت تیز به بالا
(ص ۵۴)

جان همه دل شد و دل جان شد و جانان هر دو از قیودات و عیوبات به جان آزادیم
(ص ۱۰۲)

۲-۹. تکرار (واژه‌آرایی پیاپی یا زنجیره‌ای)

همینید همینید همینید همینید
چنینید چنینید چنینید چنینید
همانید همانید همانید همانید
چنانید چنانید چنانید چنانید
(ص ۸۶)

پژوهش‌نامه کاشان

شماره دوم

بهار و تابستان ۱۳۹۲ «پی‌آوری یعنی از پی هم آوردن چشمگیر چند اسم (سیاقه‌الاعداد) یا صفت (تنسیق



الصفات) یا فعل ... یا...»^۳

نیز از شگردهایی است که غفاری کاشانی در دیوان خود از آن استفاده کرده است:

۲-۱۰-۱. سیاقهٔ الأعداد

از خم و رطل و سبو گو و از آن باده	تاب از کف ساقی و از ساغر مینا برگو
(ص ۹۷)	
روز و شب بر سر هر تربت مستی به نشاط	با می و نقل و نی و چنگ و ربایم همه
(ص ۹۹)	
گاه معشوق و گهی عاشق و گه خصم رقیب	گاه پروانه و گه شمع شبستان توام
(همان، ص ۹۶)	
چه قیام و چه قعودم چه رکوع و چه سجودم	به خیال ابروان تو نماز می گزارم
(ص ۹۳)	

۲-۱۰-۲. تنسیق الصفات

تو علیمی و حکیمی و بصیری و خبیر	هیچ محتاج نباشد به بیان و تقریر
(ص ۲۵۲)	
کاسه بری کوزه بری جامه بری موزه بری	جام بری طشت بری طاس بری کیسه بری
(ص ۹۰)	
مرد قمار و لعبتی باده همی می طلبی	سنگدلی جور کنی دل شکن و جان شکر
(ص ۹۰)	

۲-۱۱. واج آرای

شاخهٔ شمشاد و شاخ بید درهم	آن یکی شمشیر و آن دیگر سنان شد
(ص ۳۶)	

در این بیت، واج آرای حرف «ش» مشهود است.

۲-۱۲. رد الصدر الی العجز

وا دل من وا دل من عاشق و رسوا دل من	چون شنود گوش همه ساز و نوای دل من
(ص ۱۰۹)	

معرفی دیوان اشعار
غفاری کاشانی و
ویژگی‌های سبکی
آن



۲-۱۳. رد العجز الی الصدر

گفتم ای عشق خوشم ای تو شده گوش کشم پیش تر آکز تو شود تازه هوای دل من
تازه هوای دل من از دم او گشت چه سان بی حد و اندازه شود نور و ضیای دل من
(همان جا)

۲-۱۴. تلمیح

عجب و خودکامی و خودرایی است سجن و قید جسم
گر سلیمانی بدر از تن لباس اهرمن
(ص ۵)
و نیز تلمیح به داستان مور و سلیمان (ع) (ص ۱۸)، ماجرای کشته شدن سیاوش
(ص ۱۴)، اسارت بیژن در چاه افراسیاب و آزادی او به دست رستم (ص ۵۷)، تلمیح
به داستان حضرت موسی (ع) و فرعون (ص ۴۰) و... در دیوان غفاری به وفور یافت
می شود.

۲-۱۵. تضمین

غفاری در دیوان خود، برخی از غزل‌های مشهور حافظ را به عنوان تضمین به
کار برده است؛ برای نمونه:
مخواه کام ز شیرین بی وفا فرهاد میند دل به کسی کاو به دیگری دل داد
مدار چشم طمع از حریف بدبنیاد مجو درستی عهد از جهان سست بنیاد
«که این عجزه عروس هزار داماد است»

(ص ۱۵۶)

۲-۱۶. ارسال المثل

گر بمیرند دو صد بار به هر رهگذر است جان متاعی است که چون زیره به کرمان آرند
(ص ۵۷)
پنبه از گوش بنه یک دم و بشنو که همی ندی ارجعی آید به تو از اصل وجود
(ص ۱۰۱)
ما را به تو عاقبت گذار است چون پوست که می رسد به دَبَاغ
(ص ۲۳۴)

پژوهش‌نامه کاشان
شماره دوم
بهار و تابستان ۱۳۹۲



۳. ویژگی‌های فکری

سطح فکری یک اثر که نشان‌دهنده جهان‌بینی و تفکر شاعر است، از مهم‌ترین معیارهای سبک‌شناسی است که باید به دقت بررسی شود تا اثر نویسنده بهتر به خواننده شناسانده شود. در این سطح، روحیات و زاویه دید شاعر نسبت به جهان و تفکرات وی تبیین و بررسی می‌شود؛ در نتیجه، جایگاه هنرمند در مسیر تاریخ ادبیات یک ملّت مشخص می‌شود.

از نکات قابل توجه درباره جهان‌بینی و پیش‌زمینه فکری غفاری کاشانی می‌توان به تشابه فکری وی با مولانا اشاره کرد؛ چنان‌که غفاری همانند مولانا، آغاز دفتر شعری خود را با نام حضرت حق شروع نمی‌کند، بلکه سعی دارد چون او با مضمونی یکسان، اما با زبانی متفاوت از جدا شدن آدمی از اصل خود و غفلت انسان سخن بگوید:

خیز اول هم چو ابدالان بدر این پیرهن	گر نه‌ای کرم بریشم، گرد تن عمداً متن
ظلم باشد چون تو یعقوبی در این بیت الحزن	حیف باشد یوسفی افتاده در چاه بلا
هرطرف آید به گوش من خروش اهرمن	قافله بارند و در راهند تو غافل به خواب

(ص ۱)

۳-۱. عشق در دیوان غفاری

در نگاه غفاری کاشانی، فقط عشق سبب رسیدن به خداوند متعال است:

بند بگسل آخر از پا، سوی او گامی بزن	رهبرت عشق است، از کوه و بیابانت چه باک
-------------------------------------	--

(همان‌جا)

آن هم نه هر عشقی، بلکه عشقی که از خود برهی و از ما و منی خود رها شوی:

تا ببینی آنچه باید دید در هر انجمن	چشم خودبینی ببند و دیده حقیقین گشای
تا همی بر تن نداری خود لباس ما و من	تا برون نایی ز هش زین پرده چون و چرای

(همان‌جا)

وی شرط اول در راه عشق را رضا، ادب و نیستی می‌داند:

سر به میدان رضا چون گوی غلتان داشتن	بلکه شرط عشق آن باشد که در اول قدم
-------------------------------------	------------------------------------

معرفی دیوان اشعار
غفاری کاشانی و
ویژگی‌های سبکی
آن

تیر کز سرپنجه معشوق پرد مست‌وار
سینه را با صد طرب آماج پیکان داشتن
بادو صد شوق و شغف باید که اندر کوی دوست
خویش را مانند اسماعیل قربان داشتن
(ص ۳۹)

عشق را اول ادب شرط است گر عاشق‌وشی
جای پا در کوی او هر دم جبین باید نهاد
(ص ۳۵)

و وظیفه عاشق را در مقابل معشوق، جز سکوت و رضایت نمی‌داند:

عاشقان را کی سزد در عاشقی جان داشتن
باید آن جان را نثار راه جانان داشتن
بلکه شرط عشق آن باشد که در اول قدم
سر به میدان رضا چون گوی غلتان داشتن
تیر کز سرپنجه معشوق پرد مست‌وار
سینه را با صد طرب آماج پیکان داشتن
بادو صد شوق و شغف باید که اندر کوی دوست
خویش را مانند اسماعیل قربان داشتن
(ص ۳۹)

۲-۳. بی‌ارزشی دنیا

دنیا از دیدگاه وی، همانند دیگر شاعران و عارفان، ارزش و جایگاهی ندارد؛ وی با دید حقارت به دنیا می‌نگرد و از تعبیری همچون دهر بی‌مروت، دار اندوه، دام جهان و... استفاده می‌کند:

زین دهر بی‌مروت و زین کون پر عناد
زین آسمان سفله و زین چرخ کج‌مدار
(ص ۴۵)

بیا که دام جهان پر گره و پر بند است
به غیر می که رهاند تو را دگر زین دام؟
(ص ۱۹۴)

با توجه به اشعار خود غفاری، وی توکل به خداوند متعال را بهترین مرهم برای درد و رنج‌های روزگار می‌داند:

دنیی ار با ما سر یاری ندارد گو مدار
ما به یاری خدا داریم همواره مدار
مدعی گر رحم از دل کرده بیرون گو مکن
ما به رحم یار دل خوش کرده و امیدوار
(ص ۲۲۱)

او عشق به خداوند را تنها راه مبارزه با این دنیای دنی می‌داند:

دنیای عیار دنی دل می برد از غافلان
از عشق سازم حلقه‌ای در گوش عیارش کنم
(ص ۱۷۵)

۳-۳. اطمینان کامل به عدل الهی

... هر کسی را قدر خواهش او
داد می‌خواه کم و یا افزون
هر مریضی که یافت از حکمت
ساخت بر درد او دگر معجون
هرچه داری ز خویشستن داری
لب فرو بند و باش بی‌حد و چون
که خدا عادل است و جابر نیست
حیف کاین پیش جمله ظاهر نیست
(ص ۱۰۸)

۳-۴. اعتقاد به قضا و قدر و نقش انسان در تعیین آن

هر کسی را سرنوشتی رفته در لوح قضا
مزد راضی قسمت قاضی است بر وجه حسن
چو خود کنی همه را در دو کون از بد و نیک
به خلق عاجز مسکینت این عتاب چراست؟
(ص ۱۴)
(ص ۸۲)

بنابراین، غفاری کاشانی معتقد به قدرت اراده و اختیار انسان است، درحالی‌که به اراده و مشیت الهی هم در تعیین سرنوشت انسان اعتقاد کامل دارد.

۳-۵. دوری از هوای نفس

از دیگر نکاتی که در این بخش می‌توان بدان اشاره کرد، توجه و سفارش چشمگیر غفاری به مهار کردن نفس اماره است، زیرا وی نفس اماره را آفت عشق الهی می‌داند و تنها راه مبارزه با آن را در گرو عشق الهی معرفی می‌کند:
پای مردی کوب و درهم روب خاشاک هوا
دست رادی زآستین بیرون کن و بت‌ها شکن
(ص ۲)

نفس شومت هم چو بطل است از وی دور باش

ناگهان غافل تو را روزی بیوبارد به فن
(ص ۲)

معرفی دیوان اشعار
غفاری کاشانی و
ویژگی‌های سبکی
آن



و باز در جایی دیگر، قناعت کردن را برای مهار نفس شوم سفارش می‌کند:
این درخت نفس کافر را که زقوم است نام
از قناعت پای او را سخت و محکم تیشه کن
(ص ۲۱۱)

۳-۶. التزام قناعت

قناعت یکی از بهترین راهکارهای نجات انسان از بسیاری از آفت‌ها و آلودگی‌هاست که در اسلام نیز بدان سفارش بسیاری شده و یکی از راه‌های مبارزه با نفس و وسوسه‌های آن است که شاعر آن را سبب بی‌نیازی و استغنا می‌داند؛ چنان‌که در ابیاتی چنین می‌گوید:
گر غنا خواهی قناعت کن درآور ظلّ فقر تا برآری دست فضل از جیب استغنا من
(ص ۱۲)

گر غنا خواهی قناعت کن منال از بیش و کم
هرچه پیش آمد به آن خوش باش و از خود دم مزن
(ص ۱۴)

و به سبب داشتن این همت عالی از دنیای دون بریده و بدین سبب به خود می‌بالد:
منم طوطی که از همت همی شکر طلب دارم
نه چون کرکس که از دونی به هر مردار می‌گردم
(ص ۱۱۴)

۳-۷. ارادت و دوستی به رسول و آل رسول (ص)

وی در قصاید متعددی، ارادت خود را به ائمه (ع) بیان داشته و هر کدام را در بیتی جداگانه توصیف کرده است که به چند بیت آن اشاره می‌شود:
من همی از حبّ آل مصطفی دم می‌زنم بر علی و عترتش من دم مسلّم می‌زنم
گر ز حیدر فکر و ذکرم هست قوت لایموت شیر در آرامگاه گلّه غم می‌زنم
سرّ حیدر گشت قلب مصطفی را جای نور نقش حیدر بر سریر عرش اعظم می‌زنم
(ص ۲۲۴)

پژوهش‌نامه کاشان
شماره دوم
بهار و تابستان ۱۳۹۲



۳-۸. انتظار فرج

از مباحث بنیادینی که در تار و پود شعر غفاری کاشانی جا گرفته، مسئله مهدویت است، چنان‌که ابیات ذیل بهترین شاهد بر این ادعاست:

مهبط مهدی بود در دوره در قلب علمی در میان دایره من نقطه محکم می‌زنم
(ص ۲۲۶)

گفتم: کدام مهدی؟ مهدی امین حق گفتا که عین مقصد و مقصود کردگار
گفتم: کدام مهدی؟ مهدی امام ما گفتا که بهترین همه خلق روزگار
(ص ۴۶)

۳-۹. فلسفه‌ستیزی و نکوهش فلسفیان

فلسفه‌ستیزی و نکوهش فلسفیان از جمله مسائلی است که غفاری سعی دارد با بیان آن، حکمت دینی را از حکمت فلسفی جدا سازد. این موضوع در شعر شاعران پیش از غفاری نیز، مانند ناصر خسرو رواج داشته که مؤید پیروی این شاعر از پیشینیان در فکر و اندیشه است. وی نیز به تبعیت از قدما، عقاید فلسفی را بی‌ارزش شمرده و در دیوان خود آورده است:

هان و هان ای مشرقی تا چند همچون فلسفی

خالق خود امّهات و چرخ ارکان داشتن
(ص ۴۱)

۳-۱۰. بهره‌مندی از آبشخور دینی بالاخص قرآن کریم و احادیث روایی دین

اسلام

غفاری کاشانی در دیوان خود، به زیبایی از نصّ قرآن کریم بهره یافته است. او مفاهیم و مضامین قرآنی را به شیوه هنری در شعر خویش گنجانده است؛ برای نمونه:

من و سلوی منقطع گردد یقین از آسمان

چون تو خواهی با پیاز و سیر یکسان داشتن
معرفی دیوان اشعار
غفاری کاشانی و
ویژگی‌های سبکی
آن
(ص ۳۹)



که به آیه ۶۱ سوره بقره اشاره دارد:

«وَ إِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ
يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِيهَا وَبَصَلِهَا...»

چون خدا ناظر و همراه به هر حالت ماست

پس چه جوییم که خواهیم خدا از چه کنیم؟

(همان، ص ۲۴۳)

که به آیات زیر اشاره است:

«وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ...» (بقره: ۱۱۵)
«أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ...» (همان: ۱۴۸)

و در بیت زیر به حدیث معروف «الفقر فخری» از حضرت رسول اکرم (ص) که

در نهج البلاغه آمده است، اشاره می‌کند:

فقر و فخری چون حدیثی محکم است از خاصگان

ما به فقر آریم هر ساعت هزاران افتخار

(دیوان اشعار، ص ۲۲۲)

یا حدیث «الدنيا جيفة و طالبها كلاب» (احادیث مثنوی ص ۲۱۶) در بیت زیر

گنجانده شده است:

جیفتان فرمود مولی دینی و ما طالبان چون کلاب گرسنه بر گرد لاش مرده‌ایم

(دیوان اشعار، ص ۲۵۷)

نیز ر.ک: «احببت ان اعرف» (ص ۱۷۹)، «لیس غیره دیار». (ص ۱۸۶)

۱۱-۳. دینداری یعنی اطاعت از خدا

نام خود مسلم نهادن خمر را گفتن حلال

همچو گبران سال و مه خود را به عصیان داشتن

دین نباشد آنکه داری با خیال خود درست

دین چه باشد چشم بر فرمان دیان داشتن

(ص ۴۰)

پژوهش‌نامه کاشان
شماره دوم
بهار و تابستان ۱۳۹۲



۳-۱۲. ریای زاهدان

ریا و تزویر از جمله مسائل و مشکلات عمده‌ای است که می‌تواند جامعه‌ای را در معرض خطر قرار دهد، اما بدتر از آن زهد ریایی است که در تاریخ ادبیات ایران زمین، در قرن‌های گوناگون به چشم می‌آید که در برخی قرن‌ها به نسبت دیگر قرون، بازتاب چشمگیرتری داشته است. مثلاً در قرن هشتم که حافظ به روشنی بدان اشاره می‌کند:

زاهد و عجب و نماز و من و مستی و نیاز تا تو را خود ز میان با که عنایت باشد
زاهد ار راه به رندی نبرد معذور است عشق کاری است که موقوف هدایت باشد
(ص ۱۰۵)

مردم ایران زمین در قرن سیزدهم نیز همچون قرن هشتم، چنان با این معضل اجتماعی درگیر بوده‌اند که غفاری نیز چنین می‌گوید:

مطرب در نوای نی گویی نکته‌ای سرود
خرقه زهد و زاهدی جمله فسانه یافتم
مست و خراب نیمه‌شب در طلبش برون شدم
گفت کسی که دوست را من در خانه یافتم
(ص ۷۳)

نیز در ابیاتی دیگر می‌گوید:

واعظ خام ملامتگر بی‌هوش و خرد هر دم از خُبث درون بر تن خود جامه درَد
چو سلامت برد آن کس که چه او رنج برد چو ملامت برد آن کس که چو ما باده خورد
این نه عیب است بر عاشق رند و نه خطاست
مسجدی را که در او هیچ خدایی نبود منبری را که در او هیچ نوایی نبود
طاعتی را که در او هیچ صفایی نبود باده‌نوشی که در او هیچ ریایی نبود
بهتر از زهدفروشی که در او رو و ریاست

معرفی دیوان اشعار
غفاری کاشانی و
ویژگی‌های سبکی
آن

دو سه روزی که مقیمیم در این کهنه رواق چار و پنجی که طلسمیم به زیر نه طاق
کار ما با همه کس نیکی و صلح است و وفاق ما نه مردان ریاییم و حریفان نفاق
(ص ۱۵۳ و ۱۵۴)

نیز:

طریق قرب و بعد و وصل و هجر و جنت و دوزخ

مپرس از واعظ نادان مجو از زاهد جاهل

(ص ۱۶۴)

ابیات مذکور، نوع دیدگاه و اعتقاد غفاری کاشانی را به وضوح بیان می‌کند با کمی تأمل می‌توان پی برد که دیدگاه غفاری درست برگرفته و منطبق با افکار حافظ شیراز است^۴ با این تفاوت که نوع بیان هر دو با هم برابر نیست و دو عصر مختلف را تداعی می‌کند.

۳-۱۳. تأثیر شاعران پیشین بر مشرقی کاشانی

چنان‌که قبلاً ذکر شد و با بررسی ویژگی‌های سبکی شاعر مشخص شد، مشرقی نیز همچون دیگر معاصران خود به اقتضای شاعران پیشین پرداخته است؛ گاهی شعر این شاعران را هم در محور عمودی و هم افقی استقبال کرده گاهی فقط مضامین شعری این شاعران را پیروی کرده است، ولی روی هم رفته، از حافظ بیش از دیگر شعرا در لفظ و معنا تأثیر پذیرفته است. در اینجا برای نمونه، به چند مورد از این تأثیرها و استقبال‌ها اشاره می‌شود:

الف. اثرپذیری مشرقی از حافظ:

مشرقی:

از ذره کم نه‌ای، به هوای جمال یار پر سوی آفتاب سبک ذره‌وار گیر

(ص ۲۲)

حافظ:

کمتر از ذره نه‌ای پست مشو مهر بورز تا به خلوت‌نگه خورشید رسی چرخ‌زنان

(ص ۲۵۰)

مشرقی:

آن بدروی که کاری در هر زمین که هست افعال این جهان را چون کشتزار گیر

(ص ۲۳)

حافظ:

پژوهش‌نامه کاشان
شماره دوم
بهار و تابستان ۱۳۹۲



من اگر نیکم و گربد تو برو خود را باش
هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت
(ص ۵۶)

مشرقی:

الا ای آهوی وحشی کجایی اندرین صحرا؟
بیا بنگر بیا بنگر آن میر شکار آمد
(ص ۸۸)

حافظ:

الا ای آهوی وحشی کجایی
مرا با توست بسیار آشنایی
دو تنهارو، دو سرگردان، دو بی کس
دو دام است از کمین از پیش و از پس
(ص ۳۲۳)

مشرقی:

خانه را ساخته وز غیر تو پرداخته‌ایم
آمده بر سر ره منتظر دیداریم
(ص ۱۳۱)

حافظ:

ناگهان پرده برانداخته‌ای یعنی چه
مست از خانه برون تاخته‌ای یعنی چه
(ص ۲۷۰)

مشرقی مسمّطی کامل دارد با مطلع:

مژده ای دل که دگر باره گه برگ و نواست

رنج سی روز تو آخر شد و هنگام دواست

زهد منسوخ شد و عیش و طرب باز رواست

روزه یک‌سو شد و عید آمد و دل‌ها برخاست

(ص ۱۵۳)

حافظ:

مژده ای دل که دگر باد صبا باز آمد
هدهد خوش خبر از طرف صبا باز آمد
(ص ۱۱۴)

مشرقی:

در ره بسی به پای، مغیلان خلیده است
باشد که دست کوتاه ما بر رطب رسد
(ص ۱۵۱)

معرفی دیوان اشعار
غفاری کاشانی و
ویژگی‌های سبکی
آن



حافظ:

پای ما لنگ است و منزل بس دراز دست ما کوتاه و خرما بر نخیل
(ص ۲۰۱)

مشرقی:

عروس دهر چو شوهرکش است در همه عمر
پس از چه روی ز نو من ورا شوم داماد؟
(ص ۵۷)

حافظ:

مجو درستی عهد از جهان سست نهاد که این عجوزه عروس هزار داماد است
(ص ۲۹)

مشرقی:

چون باب عشق بر رخ ذرات باز کرد از یک کرشمه با همگان عرض راز کرد
(ص ۲۳۵)

حافظ:

در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد
(ص ۱۰۱)

مشرقی:

شبی که دیده به دیدار دوست باز کنم به پیش روی دو محراب یک نماز کنم
(ص ۲۳۹)

حافظ:

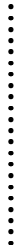
منم که دیده به دیدار دوست کردم باز چه شکر گویمت ای کارساز بنده نواز
(ص ۱۷۰)

مشرقی:

نگفتم ای دل، سرگشته بلات کنند؟ نگفتم آخر در عشق مبتلات کنند؟
(ص ۱۱۷)

حافظ:

پژوهش نامه کاشان
شماره دوم
بهار و تابستان ۱۳۹۲



دیدنی ای دل که غم عشق دگر باز چه کرد؟
چون بشد عاشق و با یار وفادار چه کرد
(ص ۹۳)

مشرقی:

تا عنان دل به دست نفس دادی غافلی
اهرمین را کی سزد مهر سلیمان داشتن
(ص ۳۲)

حافظ:

من آن نگین سلیمان به هیچ نستادم
که گاه گاه بر او دست اهرمین باشد
(ص ۱۰۶)

مشرقی:

ما بخت خویش را به جهان آزموده‌ایم
مشکل که عمر کوتاه ما در طلب رسد
(ص ۱۵۱)

حافظ:

ما آزموده‌ایم در این شهر بخت خویش

بیرون کشید باید از این ورطه رخت خویش
(ص ۱۸۹)

مشرقی:

گر زهر دهی به جان خریدارم
ور قهر کنی غلام و دربانم
(ص ۵۹)

سعدی:

زهر از قبل تو نوش داروست
فحش از دهن تو طئیات است
(ص ۱۰۲)

ب. اثرگذاری مولانا بر مشرقی:

کل این قصیده مشرقی با مطلع:

روی جانان یک زمان از دیده‌ها مستور نیست

لیک چشم حسّ کس را طاقت آن نور نیست
(ص ۷۵)

معرفی دیوان اشعار
غفاری کاشانی و
ویژگی‌های سبکی
آن



هم مضمون است با این بیت از مثنوی مولانا:

تن ز جان و جان ز تن مستور نیست لیک تن را دید جان دستور نیست
(ص ۵۵)

همچنین مشرقی در این غزل:

قطره بدم در صدف گوهر رخسند شدم از بن دریای عدم سوی تو آینه شدم
آب حیات ابدی از کف ساقی ستم خوردم و مانند خضر باقی و پاینده شدم
(ص ۸۴)

این گونه به استقبال این غزل مولانا رفته است:

مردم بدم زنده شدم گریه بدم خنده شدم دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم
(ص ۴۵)

ج. تأثیر سعدی بر مشرقی:

شوره زار است این جهان، تخم عمل ضایع نکن

دار اندوه است دنیا جان بی حاصل مکن
(ص ۳)

سعدی:

زمین شوره سنبل برنیارد در او تخم عمل ضایع مگردان
(ص ۵۷)

مشرقی:

مرا بهشت همین روی شاهد و ساقی است به دیگران بگذاریم باغ و حور و قصور
(ص ۱۹۲)

سعدی:

بیا که وقت بهار است، تا من و تو به هم به دیگران نگذاریم باغ و صحرا را
(ص ۴۵۰)

نتیجه گیری

غفاری کاشانی نیز مانند سایر شاعران دوره بازگشت ادبی، به تقلید از قدما پرداخته است. شعر وی از نظر ویژگی های زبانی، بیشتر به سبک خراسانی است و کهن گرایی

پژوهش نامه کاشان
شماره دوم
بهار و تابستان ۱۳۹۲



در سطح لغوی، دستوری و آوایی در اشعار او بسامد بسیاری دارد. غفاری از نظر ویژگی‌های فکری و به‌خصوص در سطح ادبی، به تقلید از سبک عراقی پرداخته است. هرچند وی نیز مانند دیگر معاصرانش به پای شاعران بزرگ دوران پیشین نمی‌رسد، تلاش کرده شعر خود را به شاعران بزرگ و برجسته این سبک نزدیک کند و تا حدی نیز در این کار موفق شده است؛ چنان‌که دیوان وی سرشار از مضامین، ترکیبات و لغات شعری قدما، به‌ویژه حافظ است. غفاری نیز مانند حافظ رند را مثبت تعبیر کرده و زاهدان را مورد نکوهش قرار داده است. همچنین غفاری از نظر مضامین شعری، به اشعار مولانا و سعدی نیز نظر داشته است. با وجود اینکه غفاری نیز مانند سایر هم‌عصران خویش، به تقلید از قدما پرداخته، توانسته با زبانی ساده و روان، بی‌تکلف اما رسا و بلیغ سخن بگوید. هرچند او برای دست‌یافتن به جایگاه شاعری تلاشی نکرده و به عبارت دیگر، برخلاف سایر معاصران خویش به دنبال تزئین کلام برای اظهار فضل و خودنمایی نیست، از ترکیبات زیبا و آرایه‌های بدیعی بالاختصاص، بی‌بهره نیست.

تشبیه در دیوان او، یکی از پربسامدترین ارکان بیانی است: تشبیهات ساده، لطیف و زیبا در دیوان او، نماینده لطافت طبع و ظرافت شعر اوست، اما آنچه شعرش را از دیگران ممتاز گردانیده، تلاش او برای بازتاب تفکرات عرفانی در اشعارش است. او شعر را دستاویزی برای بعد عرفانی افکارش قرار داده است، چنان‌که در شعر او، عشق توأم با تسلیم و رضا، حقارت دنیا و بی‌مروتی دهر، اعتقاد به اراده و اختیار بشری در عین اعتقاد به قدرت اراده و مشیت حضرت حق و قضا و قدر، مذمت هوای نفس، قناعت، دنیاگریزی و دین‌پناهی، ریاستیزی و به‌ویژه مدح اهل بیت (ع) به وضوح بیان شده است. همچنین غفاری از آیات قرآن و احادیث روایی در تار و پود شعر خویش به شیوه هنری بهره برده است.

در یک کلام، شعر او فرهنگ‌نامه‌ای برای نشر عقاید و افکار عرفانی اوست و همین موضوع سبب امتیاز شاعر از سایر هم‌عصران اوست.

پی‌نوشت‌ها:

۱. خاندان بزرگ و سلسله مشهور غفاری‌های ساکن شهرستان کاشان، یکی از طوایف اصیل و ریشه‌دار ایران به شمار می‌روند که شجره‌حساب و نسب آن‌ها به استناد مأخذ و مدارک معتبر از صدر اسلام تا عصر حاضر، نسل بعد نسل با تسلسل و پیوستگی کاملی، مشخص و محفوظ مانده است. شجره‌نامه خانواده غفاری با ابوذری غفاری شروع می‌شود که سی و هفتمین اولادش، میرزا معزالدین است که از طرف کریم خان به سمت حاکم کاشان و قم و نطنز منصوب شدند. دومین پسر میرزا معزالدین، میرزا حسین غفاری متخلص به مشرقی است. (ر.ک: فرهنگ ایران زمین، ص ۱۶۴-۱۷۷)

۲. رحمت علی شاه از صوفیان فرقه نعمت‌اللهیه است که در شیراز، خانقاه و مریدانی داشته است. مشرقی از مریدان اوست که با هدایت آن‌جناب به لقب محتاج علی مفتخر شد. (بزرگان کاشان، ص ۲۵۱)

۳. مشخصات نسخه خطی دیوان غفاری کاشانی (متخلص به مشرقی) این چنین است: «م» نشانه اختصاری نسخه اصلی دیوان غفاری کاشانی است و آن نسخه‌ای کهن است که کاتب آن، ابوالقاسم نام دارد و تاریخ کتابت آن ۱۳۰۲ هجری قمری، در عهد ناصرالدین شاه قاجار، حسب الحکم مؤتمن السلطان امیرزا جلال‌الدین غفاری نوشته شده؛ صفحات دارای رکابه است، جلدش تیماج قهوه‌ای است که اندازه آن ۱۷/۵۰ در ۲۲/۵۰ سانتی‌متر است، عناوین و نشانی‌های کتاب با سنگرف نوشته شده و دارای ۱۴۱ برگ یازده سطر است.

۴. تأثیر شاعران بزرگ پیشین مانند حافظ، سعدی و مولوی بر مشرقی کاشانی کاملاً مشهود است. با مرور اشعار مشرقی می‌توان حضور حافظ شیرازی را چه به لحاظ مضمون و چه به لحاظ وزن شعری و بهره‌گیری از لغات و ترکیبات صوفیانه و عارفانه احساس کرد.

منابع

- قرآن کریم.

- /حادیث و قصص مثنوی؛ محمد حسن فروزانفر، ترجمه حسین داودی، امیرکبیر، تهران ۱۳۹۱.

- /از صبا تا نیما؛ یحیی آرین‌پور، بی‌نا، تهران ۱۳۸۷.

- بزرگان کاشان؛ افشین عاطفی، مرسل، کاشان ۱۳۸۹.

- پژوهشی در سبک هندی و دوره بازگشت ادبی؛ احمد خاتمی، بهارستان، تهران ۱۳۷۱.

پژوهش‌نامه کاشان
شماره دوم
بهار و تابستان ۱۳۹۲



- دیوان اشعار غفاری؛ سید محمد حسین غفاری، نسخه خطی شماره ۸۵۶۶۲/۱۲۱۳۶ کتابخانه مجلس شورای ملی، تاریخ کتابت: ۱۳۰۲ قمری.
- سبک‌شناسی شعر؛ محمد غلامرضایی، جامی، تهران ۱۳۷۷.
- طریق الحقایق؛ محمد معصومعلی شیرازی، تصحیح محمدجعفر محجوب، سنایی، تهران، بی‌تا.
- فرهنگ ایران زمین؛ به کوشش ایرج افشار، تهران، سخن ۱۳۵۶.
- کلیات سبک‌شناسی؛ سیروس شمیسا، چ ۶، فردوس، تهران ۱۳۸۳.
- معانی و بیان؛ سیروس شمیسا، انتشارات میترا، تهران ۱۳۸۷.
- نهج البلاغه؛ سید رضی، ترجمه محمد دشتی، چ ۱، مؤسسه فرهنگی و تحقیقاتی امیرالمؤمنین(ع)، ظهور، بی‌جا ۱۳۸۶.

